

نبرد ملاذگرد^۱

از جنگ‌های معروفی که شهرت شکر فی یافته و در صحیفه‌های تاریخ جاویدان مانده است نبرد ملاذگرد می‌باشد که بین آلپ ارسلان و امپراطور روم شرقی رمانوس دیوکنس (دیوژن) Romanos Diogenes (۱۰۷۱-۱۰۶۸ م) بوقوع پیوست. سیاست سلجوقیان بدست آوردن فضای بیشتر و اگر اغراق نکنیم فکر حکومت جهانی بود. ما این مسأله را می‌توانیم از جواب سلطان طغرل به ایلچی مخصوص خلیفه بوضوح دریابیم. در زمان سلطنت سلطان طغرل، دارالخلافه بافرستان قاضی القضاة الماوردی (مؤلف الاحکام السلطانیة) خواست که از نیت طغرل باخبر گردد و بدانند سلجوقیان تا کجا پیش خواهند رفت.

پاسخ سلطان باین شخص در عین سادگی، عمیق و پرمعنی است: خاکهای متصرفی موجود برای سلجوقیان زیاد نیست و نمی‌تواند ما را اقناع کند. اردوی بزرگ و تازه نفس ما برای فتح آسیای غربی آماده است - در رأس ارکان دولت ما عمیدالملک

۱- قصبه‌یست (از قصبه‌های ولایت موش) که در مشرق اناطولی (انادولو) واقع شده و محدود است از شمال به ارزروم، از مشرق به وان و از جنوب به بتلیس و از مغرب به مرادسو (فرات شرقی). در حدود ۱۵۰۰ متر ارتفاع دارد و طبق سرشماری سال ۱۹۵۵ نفوس آن ۲۸۱۲ نفر می‌باشد، البته اگر حومه آن (قره‌حسن و نورالدین) را بحساب آوریم جمعیت آن ناحیه از ۲۰/۴۰۰ نفر افزون خواهد شد. برای اخبار بیشتر رجوع شود به: قاموس الاعلام سامی ج ۶ ص ۳۳۸۸. بلک W. Belck می‌گوید، قبل از اینکه ارمانه در این دیار ساکن شوند تمام این نواحی جزو متصرفات شاهان اورارتو بوده است و حتی اسم ملاذگرد از نام پادشاه اورارتو Menuas گرفته شده است. ر.ک:

— W. Belck ve C. F. Lehmann, Verhandlungen der Berliner Gesellschaft Anthropologie..., 1898. s. 569, 572

— Ritter, Erdkunde, 1x, 989, 984

و نیز ر.ک

کندری با کارمندان عالی‌رتبه قرار دارند و کارها را بنحو مطلوب پیش می‌برند.^۱
 اداره کنندگان امپراطوری سلجوق در مرحله اول چشم طمع به مصر داشتند
 و ایده آل آنها این بود که بعد از سرنگون کردن دولت فاطمی مصر با ضبط آناتولی
 (آناتولی) به بحرالجزایر راه یابند.

فتح مصر سبب گسترش مذاهب اربعه سنی می‌شد و سلجوقیان با ضبط آسیای
 کوچک، اروپا را در دیدگاه خود می‌یافتند. مورخینی که تصریح نموده‌اند این جنگ
 به‌خواسته رمانوس برپا گردید، کمی راه مبالغه درپیش گرفته‌اند. اوضاع آن‌زمان خود
 گواه برتری سواره نظام سلجوقی در متصرفات روم شرقی است. رومیان برای رهایی
 از دردهای سلجوقیان مجبور بودند با اقداماتی دست یازند.

پیشروی بسوی غرب در زمان آلپ ارسلان با اسلوب و نقشه معینی که توسط
 خواجه نظام‌الملک و سرداران بنام طرح‌ریزی شده بود، ادامه یافت. آذربایجان و
 اران شاهد عبور سواره نظام پر قدرت سلجوقیان بودند.

سلطان سلجوقی با یورش‌های سخت توانست شاهزاده‌های محلی ارمنه و گرجی
 و ابخاز را که از دولت بیزانس اطاعت می‌کردند، مغلوب نماید و تقلیس و آنی و
 قارص را که از لحاظ سوق‌الجیشی بسیار مهم بودند بدست بگیرد.

بفرمان سلطان و باصلاح‌دید شورای جنگی قوموش تکین و افشین و احمد شاه
 و سالار خراسان که از سرداران بنام زمان خود محسوب می‌شدند، مأموریت یافتند تا
 فتوحات سلجوقیان را در اراضی روم شرقی ادامه بدهند. بعد از صدور این دستور سواران
 سلجوقی گروه گروه چون موج آرام و بی‌صدا بطرف هدف‌هایشان پیشروی نمودند.

در چنین موقعیت خطیر هنوز سیاستمداران قسطنطنیه مشغول دسیسه و توطئه
 بر علیه هم بودند بی آنکه در صدد رفع خطر بر آیند. بامرگ امپراطور کستانینوس
 Kostantinos X Dukas (۱۰۶۷ م) اوضاع روم شرقی در هرج و مرج حزن‌انگیزی
 فرو رفت.

۱- ابن‌الاثیر. حوادث سنه ۴۳۵؛ عبری، ج ۱ ص ۳۰۲.

امپراطور یس ادکسیا Eudoxia که بجای سه فرزند دکاس بر تخت سلطنت نشسته بود مواجه بانفع پرستانی گردید که برای احراز مقام و سودجویی از هیچ جنایت و خلافی رویگردان نبودند. قشون امپراطوری در آسیای کوچک بی پول و مواجب مانده و برای تأمین معاش، سر بازان مجبور بودند که شهرها و دهات را غارت نمایند.

افشین در سال ۱۰۶۷ میلادی تا مالاتیا پیش آمد و بدون آنکه با عمده قوای روم شرقی تلافی کند قیصری «قیصریه» مرکز کاپا دوکیه را مورد تعرض قرارداد. ژنرال بتانیاتس Nikephoros Botaniates مأموریت داشت که از هجوم عمده‌ای از سواره نظام سلجوقی که بطرف کیلیکیه میامدند، مانع گردد؛ اما او هم نتوانست کار مهمی از پیش ببرد.

امپراطور یس که اوضاع را نابسامان میدید تصمیم گرفت در برابر تهدید سلجوقیان و سر وسامان دادن به کارهای امپراطوری بایکی از سرداران معروف روم بنام رمانوس دیوکنس ازدواج نماید.

رمانوس در سال ۱۰۶۸ میلادی امپراطور روم شرقی اعلام گردید و بلافاصله به تصفیه دامنهداری دست زد. تاریخ نگاران ارمنی و رومی در مدح رمانوس فرو گذاری نکرده اند و در ضمن نوشته اند که فردی مغرور و مستبد و بیش از حد بخودش مغرور و از مدح خوشش میامد.

بیش از دو ماه از سلطنت رمانوس نمی گذشت که در مارس ۱۰۶۸ میلادی شروع بجمع آوری سپاه از فرانکها و اوزها و مقدونیها نمود و با سرعت برای مقابله با سلجوقیان بطرف آناتولی حرکت کرد.

سر بازان روم شرقی که بعد از مدتها امپراطوری در رأس خود میدیدند با قلبهای پرامید بسوی هدفهای قائدشان بحرکت ادامه میدادند. آنها از راه قیصری و سیواس بطرف جنوب سرازیر شدند و بعد از ضبط منبیج بعلت فرا رسیدن زمستان

1— Laurent, s.57

2— Psellos Mikhael, Chronographia, s. 159,161

بفرمان امپراطور به قسطنطنیه مراجعت کردند درحالیکه خبرهای مبنی بر غارت و تخریب نکسار و آموریون (نزدیک اسکی شهر) را توسط سلجوقیان نادرست دانستند^۱. در سال ۱۰۶۹ میلادی رمانوس بسفر موفقیت آمیزی اقدام و در نواحی سیواس و پلو Palu با قداماتی بر له روم دست یازید. در همین اوان خبر تخریب و غارت قونیه از طرف سلجوقیان به امپراطور رسید.

کاتاتور ریاس Katurias بفرمان بیزانس راهپائی را که به کیلیکیه منتهی میشد، مسدود کرد تا رومیان بتوانند سواره نظام سلجوقی را منهدم سازند ولی سپاه سلجوقی توانست از راه جنوب راهی به حلب باز کند.

در سال ۱۰۷۰ میلادی امپراطور اردوی بزرگی ترتیب داد تا ایالات از دست رفته را باز ستاند اما در باریان بارفتن رمانوس مخالفت کردند و او مجبور گردید ریاست اردو را به ژنرال مانوئل Manuel komnenos محول کند و خود در قسطنطنیه بماند. قشون روم شرقی در نزدیکیهای سیواس با اردوی سلجوقیان بریاست ارسقون تلاقی نمود. در جنگ بزرگی که بوقوع پیوست رومیان کوبیده شدند و سردارشان مانوئل باسارت افتاد^۲.

مقارن همین احوال افشین سردار ایرانی وارد اراضی فریکیه گردید و شهر خناس (Khonae) را در نزدیکی دریا غارت و خراب نمود، بنظر میرسد که سواره نظام سلجوقی تا دریای مرمره موفقیت‌های درخشانی کسب نموده است^۳.

امپراطور رمانوس برای اینکه متصرفات روم شرقی را نجات بدهد و مسأله سلجوقیان را بنفع امپراطوری حل نماید در ۱۳ مارس ۱۰۷۱ با اردوی بزرگی بطرف شرق حرکت کرد. شاید بی‌مورد نباشد که بگوئیم بعلت غرور بیش از حدی که داشت اندیشه فتح ایران را در سر می‌پرورانید. در این موقع آلپ ارسلان با عمده قوایش

۱- عبیری، ج ۱ ص ۳۱۹.

۲- مانتوس، ص ۱۶۲.

۳- ابن القلانسی، ص ۱۰۱.

بطرف سوریه رفته بود .

گفتم هدف سیاستمداران امپراطوری سلجوقی که در رأسشان خواجه نظام الملک قرار داشت در مرحله اول از میان برداشتن سلسله فاطمی و ضبط متصرفات آن دولت بود در سال ۴۶۲ هجری قمری (۱۰۷۰ م) امیر مکه در دو شهر بزرگ اسلامی یعنی مکه و مدینه دستوری صادر نمود که بنام القائم خطبه خوانده شود . اوضاع مصر در این موقع آنچنان آشفته و بحرانی بود که ناصرالدوله (از حمدانی ها) برای نشستن بر اینکه سلطنت و از میان برداشتن رقبایی چون امیر الجیوش بدرالجمالی مجبور شد از آلپ ارسلان کمک بخواهد و ضمناً او را برای گرفتن سوریه ترغیب نماید .^۱

آلپ ارسلان با استفاده از فرصت کم نظیر برای ضبط سوریه عازم آندیار شد . ابتدا از آذربایجان گذشته وارد آناطولی گردید و با کامیابی قلعه ملازگرد را که توسط ارمنی های طرفدار بیزانس مدافعه میشد فتح نمود و در نتیجه این پیروزی میافارقین و آمد و حوالی آن تابعیت سلطان را قبول کردند . کوشش سلجوقیان برای گرفتن اورفه بی نتیجه ماند . سلطان سلجوقی که هدف بزرگی داشت بدون اینکه وقت را تلف بکند به حلب آمد . در اینجا اولین سفیر روم شرقی بحضور او رسید .

بروایت ابن عبری^۲ سفیر روم بعد از اینکه از اردوی پرقوت رهانوس سخن ها گفت ، درخواست امپراطور را که استرداد ملازگرد و اخلاط در مقابل منبج بود ارائه داد .

موقعیت این دو قلعه مهم آنچنان بود که سلطان به درخواست بیزانس روی موافق نشان نداد ، البته گزارش های افشین در ردّ جواب آلپ ارسلان به سفیر روم دخالت تام داشت و سلطان سلجوقی قانع شده بود که قدرت رومیان در تحلیل است و در متصرفات روم شرقی نیروی مهمتی که بتواند از پیشروی سواره نظام سلجوقی جلوگیری نماید موجود نیست .

۱- ابن العدم ص ۳۸۱^b .

۲- المختصر الدول، ج ۱ ص ۳۲۰ .

سلطان آلپ ارسلان بعد از اینکه حاکم حلب محمود را بحضور پذیرفت برای ضبط دمشق حرکت کرد اما خیر پیشروی سریع رمانوس او را از ادامه فتح آن شهر بازداشت و با سرعت زیاد در سوم رجب ۴۶۳^۱ برای مقابله با خطر بازگشت.

رمانوس با اردوئی که از صدهزار نفر تجاوز می کرد به ساکاریا Sakarya وارد شد و اردو زد. در اینجا مجبور گردید دوباره نظم و ترتیبی به قشون بدهد. بفرمان او بتانیاتس Botaniates که از افسران لایق روم بشمار میرفت، دستور یافت که با عده ای سر باز به قسطنطنیه مراجعت کند. لوازم و اثاثیه اردوی بزرگ روم شرقی را سهزار ارابه حمل می کرد، در پشت ارابه ها، آلات و ادوات محاصره با منجیق های عظیم که توسط ۱۲۰۰ مأمور هدایت می شد در حرکت بودند.^۲

دیوکنس وقتی به سیواس رسید خبر حرکت آلپ ارسلان را از سوریه دریافت داشت و بلافاصله شورای جنگی را تشکیل داد. در این شورا عده ای از طرفداران عقیده امپراطور تکلیف کردند بدون اینکه منتظر قوای سلجوقی باشند تا پایتخت سلجوقیان به پیشروی ادامه بدهند اما سرداران مجرب و محافظه کاری چون برینوس Bryennios و ترخنیوتس Joseph Trakhaniotes عقیده داشتند که نیابستی از حدود متصرفات روم شرقی تجاوز نمایند و تماس خود را با مرکز امپراطوری قطع سازند. آنها می گفتند بهتر است در ارزروم (Theodosiopolis) منتظر قوای آلپ ارسلان باشند و برای در مضیقه گذاشتن سواره نظام سلجوقی از حیث آذوقه به تخریب راهها و حوالی اقدام کنند.^۳

امپراطور با عقیده سرداران محافظه کار مخالفت کرد و فرمان داد که سپاه روم شرقی بحرکت خود بطرف ایران ادامه دهد. عساکر روم شرقی وارد ارزروم شد، در اینجا رمانوس اشتباه بزرگی مرتکب گردید و بدون اینکه عاقبت کار را در نظر بگیرد،

۱- ابن القلانسی، ص ۹۹.

۲- ابن الجوزی، ص ۲۶۱، عمادالدین اصفهانی، ص ۴۰.

سپاه را بچند شاخه تقسیم نمود .

سی هزار نفر ازفرانک‌ها و اوزها بسرداری ارسلیوس Urselius مأموریت یافتند که راههای عبور اردوی امپراطوزی را از دشمن پاک نموده و بطرف اخلاط پیش روند^۱. شاخه‌ای منقسم از اردو نیز برای تهیه آذوقه عازم اطراف شدند. رمانوس در رأس بقیه سپاه بطرف ملاذگرد پیش آمد و در بین راه قشون ارمنستان بسرداری ماگسترس Magistros به اردوی رومیان ملحق گردید . مسافت زیادی پیموده نشده بود که نامه‌ای از داباتانس Dabatanes به امپراطور رسید. سردار رومی باشادی خبر عقب نشینی آلپ ارسلان را بطرف بغداد اعلام می کرد، البته بعداً این خبر توسط باسیلاکس Basilakes تأیید شد. در حقیقت خبر صحت داشت منتهی آلپ ارسلان عقب نشینی نکرده بود بلکه بطرف موصل رانده بود تا در آنجا منتظر قوای کمکی باشد و در ضمن توسط جاسوسان از راه ملاذگرد مطمئن گردد^۲.

رمانوس که به موفقیت خود بیش از اندازه مطمئن بود، با آسانی بر ملاذگرد دست یافت و دستور قتل عام مدافعین سلجوقی این قلعه را صادر نمود^۳ ولی باز مجبور گردید که عده‌ای از سپاهیان را بریاست باسیلاکس به یاری اردوی روم که در نزدیکیهای اخلاط مورد هجوم قرار گرفته بودند، بفرستد .

اولین جنگ در چهارشنبه ۲۴ اگوست میان قشون باسیلاکس و پیشقراولان آلپ ارسلان رویداد . این عده چابک سوارانی بودند که از طرف سلطان سلجوقی مأموریت داشتند تا از وضع اردوی دشمن اخباری کسب نمایند. در این جنگ سلجوقیان توانستند رومیان را مغلوب و پیریشان ساخته^۴ و باسیلاکس را اسیر بگیرند و در ضمن موفق شدند با کامیابی نیروی امدادی روم را که بسرداری برینیوس Bryennios تازه از راه رسیده بود درهم بکوبند و سردار رومی را با زخم مهلك مجبور سازند تا با باقیمانده

۱- مائوس، ص ۱۶۸ . ۲- ابن‌الازراق، ص ۹۹ .

۳- زبدة النصره، ص ۳۸ . ۴- ابن‌العدیم، ص ۲۸۵^b .

قوا عقب به نشینند^۱.

در این جنگ خاچ مهمتی همراه غنائیم دیگر ضبط و با عده‌ای اسیر خدمت
خواجه نظام‌الملک که در همدان بود فرستاده شد^۲.

رمانوس که از عقب نشینی برینوس Bryennios باخبر شده بود بعد از توضیحات
کافی از سردار روم، فرمانداد تا سپاه در حرکت بطرف اخلاط تعجیل کند.
اردوی روم وقتی به صحرای زهره^۳ در ۱۰ یا ۱۲ کیلو متری ملازگرد رسید
بامشاهده پیشقراولان سلجوقی در اطراف تپه‌ها، به برپا کردن خیمه و خرگاه اقدام
کرد. بنظر میرسد تا عصر همانروز (۲۶ ذی‌القعدة ۴۶۳) جنگ و گریزهایی که با
شیخون سواره نظام سلجوقیان توأم بوده اتفاق افتاده است.

در ۲۷ ذی‌القعدة ۴۶۳ (۲۶ اگوست ۱۰۷۱)^۴ ایرانیان و رومیان در حالیکه
یک فرسنگ باهم فاصله داشتند مقابل هم قرار گرفتند.

قبل از اینکه دربارهٔ محاربه و نتایج آن بحثی بکنیم لازم است قوای دوطرف
را از لحاظ کمیت و کیفیت در نظر بگیریم مشروط بر اینکه فراموش نکنیم که روحیه
سربازان و تاکتیک فرماندهان در برد و باخت جنگ بی‌تأثیر نیست.

اردوی بزرگ روم شرقی غیر از رومیها که از ایالات امپراطوری جمع‌آوری
شده بود، از کاپادوکیه‌ها و فریگیه‌ها و قوت‌های ارمنستان و الجزیره و گرجستان تشکیل

1— Zonaras, s. 106^a

۲— ابن‌الجوزی، ص ۲۶۱؛ عمادالدین، ص ۳۸؛ سبط، ص ۲۵۳^b.

۳— در تاریخ حلب و اخبارالدولة السلجوقية این اسم زهره آمده، در حالیکه ابن‌الجوزی
رهوه قید کرده است.

۴— ابن‌الجوزی، ص ۲۶۱؛ سبط، ص ۲۵۳^a؛ ابن‌القائسی، ص ۱۰۲؛ ابن‌العدیم، ص ۲۸۵^b؛
عبری، ج ۱ ص ۳۲۱، البته در بعضی منابع و مأخذ روز نبرد ۲۰ ذی‌القعدة (۱۹ اگوست) ذکر
شده است. ر.ک.

— J. Laurent, s. 43 not 10

و تاریخ ۲۷ ذی‌القعدة (۲۶ اگوست) را نیز نوشته‌اند. ر.ک.

— M. Halil Yınanç, Anadolu' nun fethi, s. 79

می یافت، باین عده بایستی مزدوران فراتر از آنها و نرمانها و اسلاوها و اوزها را علاوه کرد. مسلم است اردوی رمانوس زیاد از صد هزار نفر بوده است گویا اینکه مورخین اسلامی در این باره مبالغه کرده اند. موضوع مهمی که نبایستی مکتوم بماند و بنظر بنده بیشتر مورد نظر قرار بگیرد افراد ناجور اردوی رومیان بود. بیشتر اینها علاوه بر اینکه باهم نمی ساختند به دشمنی باهم نیز معروف بودند. سرداران غیر رومی چندان اهمیتی به پیروزی نمی دادند بلکه برای آنها موضوع مهم انجام وظیفه و بازگشت به مملکت خود بود.

قبل از نبرد خوشبختی بزرگی به آلپ ارسلان زوی آورد و آن پناهنده شدن دسته ای از اوزها بود که در سپیده دم آنروز اردوی رومیان را ترك گفته و با پیوستن به سلجوقیان رموز جنگ بارومیان را در اختیار شورای جنگی سلطنتی قرار دادند. فرار اوزها برای رمانوس ناگوار بود و او برای اینکه حادثه دیگری رخ ندهد با اقدامات احتیاطی شدید دست زد.

آلپ ارسلان بایست هزار سوار زبده و جنگجو (باضافه تعدادی از فرزندان اوز) همراه سردارانی چون گوهر آئین و سلیمان شاه و منصور و سوتکین که بر تیپ های قشون ریاست داشتند در مقابل اردوی روم به صف آرائی پرداخت. برای اینکه سواره نظام سلجوقی بیشتر تشجیع شود، فرمان سلطان و باصلاح دید ارکان حرب روز جمعه برای نبرد قطعی تعیین گردید. درست در این لحظات حساس از طرف القائم خلیفه عباسی متن دعایی^۳ که قبلاً آماده شده بود بتمام نقاط امپراطوری فرستاده شد تا در مناظر مساجد

۱- افراد اردوی رمانوس را ابن القلانسی و راوندی ۶۰۰ هزار، سبط ۴۰۰ هزار، صدرالدین حسینی و ابن الاذراق و میر خواند و عمادالدین ۳۰۰ هزار، ابن العدیم و ابن الاثیر ۲۰۰ هزار نفر قید کرده اند.

۲- ابن الجوزی بیست هزار، سبط و ابن العدیم و حسینی و ابن الاثیر یا نوده هزار، عمادالدین چهارده هزار، راوندی دوازده هزار نفر نوشته اند ولی ابن القلانسی تعداد نفرات سپاه آلپ ارسلان را چهارصد هزار نفر ذکر کرده که بسیار مبالغه آمیز است.

۳- رکه، اخبار الدولة، ص ۳۳.

خوانده شود .

بروز محاربه بیش از دو روز نمانده بود که فقیه شهیر ابو نصر محمد بن عبدالملک البخاری که نزد سلطان مقام ارجمندی داشت پیروزی قطعی سلجوقیان را اعلام کرد. باتمام این اوضاع آلپ ارسلان تصمیم گرفت قبل از محاربه با رمانوس وارد گفتگو شود . قاضی ابن المہلبان و امیر سوتکین مأموریت یافتند تا با امپراطور روم ملاقات نموده و درباره صلح و شرایط آن به مذاکره پردازند اما متأسفانه از گفتگوی صلح نتیجه‌ای عاید نشد و رمانوس از سفیران سلجوقی استقبال خوبی نکرد^۱ و حتی پیشنهاد صلح سلطان را دال بر ضعف سلجوقیان دانست . جواب امپراطور ما را بیاد دماغهای علیل و مغرور دشمنان اشکانی و ساسانی می‌اندازد : در ری با سلطان سلجوقی مذاکره خواهم کرد، اصفهان قشلاق خوبی برای سپاه روم شرقی است و همدان برای چهارپایان قشون مسکن بدی نخواهد بود^۲.

این جواب مستهجن سبب خشم سلطان و تشجیع سواره نظام سلجوقی گردید. آلپ ارسلان بعد از برپا نمودن نماز جمعه خطابه‌ای ایراد کرد^۳ و از سپاه درخواست نمود که اگر افتخار شهادت نصیبش شد در همان نقطه مدفونش سازند و بلافاصله گوش به فرامین پسرش ملکشاه دهند . شرکت افراد در این نبرد تنها بخاطر میهن نیست بلکه جهادی است برای سر بلندی دین و پایداری آن. افرادی که تمایل ندارند در این پیکار شرکت داشته باشند تادیر نشده خودشان را از میدان جنگ کنار بکشند .

مقارن همین احوال ، در اردوگاه رومیان نیز مراسم مذهبی توسط کشیشان

1- Zonaras, 106^b

۲- ابن الاذراق، ص ۹۹؛ عمادالدین، ص ۳۹؛ عبری، ج ۱ ص ۳۰۱؛ ابن الاثیر، ج ۸

ص ۱۰۹ .

۳- سلطان قبل از جنگ طی نامه‌ای اوضاع را برای خواجه نظام الملک و همسرش تشریح نموده و اضافه کرده بود: «من بمقابل دشمن می‌شتم، اگر سالم ماندم لطف پروردگار لایزال است و اگر شهید شدم باز رحیم اوست . بجای من فرزندان ملکشاه خواهد نشست» . برای اخبار بیشتر رگ: اخبار الدولة ص ۳۳ و عقدالجمان ج ۶ ص ۴۳^b .

انجام می گرفت و افراد برای زنده نگاهداشتن ملك و دین تشویق و ترغیب می شدند. حوالی ظهر دو طرف بانظم تمام آماده کارزار گشتند .

اردوی روم چنین نظم یافته بود: امپراطور در قلب سپاه قرار داشت و در طرف چپ اوسردار آلیتس Aleates با افرادش و در طرف راست او ژنرال برینیوس Bryennios با سر بازان رومی صف کشیده بودند. افراد احتیاط بریاست آندرونیکس Andronikos در صف عقب جبهه قرار گرفته بود^۱.

آلپ ارسلان سپاه سلجوقی را بچهار شاخه تقسیم کرده بود: دو قسمت مأموریت داشتند که در اطراف تپه های میدان محاربه پنهان شده و منتظر بمانند. شاخه سوم در جای مناسبی قرار گرفته و وظیفه داشت با نیروی احتیاط دشمن مقابله نموده و عقب جبهه را حفاظت نماید. قسمت عمده سپاه بریاست سلطان مأمور مقابله با عمده قوای روم بودند .

فرمان حمله از طرف آلپ ارسلان صادر گردید. سواره نظام سلجوقی در حالیکه از طرف تیراندازان ماهر بسختی پشتیبانی میشد به تعرض پرداخت. امپراطور که نیروی دشمن را کم یافته بود برای اینکه آنها را در کام سپاه افزون خود فرو برد با تمام اردویش پیش تاخت و بدون اینکه حساب تا کتیک دشمن را بکند، سواره نظام سلجوقی را که یواش یواش شروع به عقب نشینی کرده بود تعقیب نمود^۲.

هدف سلجوقیان که دور نمودن امپراطور از مرکز اردوگاه روم بود با کامیابی تحقق یافت. دو قسمت از سواره نظام سلجوقی که در اطراف تپه ها مخفی شده بودند چون دشمن را در تیررس دیدند، حمله تهاجمی را شروع کردند. ضرباتی که از پشت و جلو به قشون امپراطور وارد می آمد رمانوس را متوجه موقعیت وخیم کرد و برای اینکه از انهرام سپاه و محاصره گاز انبری دشمن جلو گیری نماید فرمان عقب نشینی را صادر

1— Bryennios, s. 514; Mateos, 169

۲— عمادالدین، ص ۴۰

— Bryennios, s. 515; Zonaras, 106^b

نمود اما اردوی روم چنان‌نظم‌را گسیخته بود که سعی امپراطور عبث بنظر میرسید. تنها امیدی که رومیان داشتند کمک فوری از جانب نیروی احتیاط بود اما آنهم بزودی به یأس تبدیل شد چون آندرونیکس ترجیح داد بدون فوت وقت از محل نبرد عقب‌نشینی کند. شب تازه فرا رسیده بود که خبر انهدام اردوی روم توسط جارجیان اعلام گردید. رمانوس را در حالیکه زخم برداشته بود بحضور آلپ ارسلان آوردند.

بعضی از مورّخین علل شکست این نبرد را به گردن او‌زها انداخته‌اند^۱ و اضافه نموده‌اند که فرار این دسته باعث تقویت سلجوقیان و ضعف رومیان شد. برخی از محققین باین نتیجه رسیده‌اند که فرار ارمنی‌ها از اردوی رومیان نقش مهمی در باخت جنگ داشته است^۲.

عده‌ای عقب‌نشینی شتابزده و بی‌مورد آندرونیکس را خطای عظمائی بحساب آورده‌اند و او را از این جهت که بخاطر دشمنی باشخص امپراطور رمانوس، حاضر گردید هم‌وطنانش ننگ شکست را قبول بکنند مورد ملامت قرار داده‌اند^۳.

در این نبرد سهم بزرگ باخت به رمانوس می‌رسد و او باغورور بی‌حد و ناآشنائی بروحیه غیر رومیان محکوم بحساب می‌آید ولی در تاریخ زمان و مکان دل مهمی بعهده دارند، طرف مقابل رمانوس شخصیت بزرگی است چون آلپ ارسلان و در مقابل لژیون فرسوده روم سواره‌نظام زبده و تازه‌نفسی است که هدفش فتح اروپاست.

بعد از اینکه امپراطور را با اسرای جنگی دیگر به حضور سلطان سلجوقی آوردند، رمانوس شناخته شد. رفتار آلپ ارسلان با او جوانمردانه بود. در آن جلسه سلطان باو اطلاع داد که بعد از عقد قرارداد او را به مملکتش خواهد فرستاد تا بحکومتش ادامه بدهد^۴ دریک چادر مخصوص بین دو امپراطور پیمانی منعقد گردید

1— Laurent, s. 59; Mateos, s. 169

2— Mikhael, s. 169

3— Bryennios, s. 514; Zonaras, 106^b

4— Vardan, Türk fütihat Tarihi, s. 177; Zonaras, s. 106^b

— Bryennios, s. 514; Mikhael, s. 170

وبعد از این قرارداد سلطان ، رمانوس و اسرای رومی را در معیت سواره نظام سلجوقی به قسطنطنیه فرستاد .

متأسفانه متن عهدنامه در دست نیست ولی می توان با تحقیق در منابع آن زمان دریافت که رمانوس تعهد نموده بود که یک میلیون و نیم سکه طلا به آلپ ارسلان غرامت جنگی بدهد و در ضمن سالی ۳۶۰ هزار سکه طلا بعنوان خراج بپردازد و تمام اسرای ایرانی و مسلمان را در مملکت روم شرقی آزاد سازد .

در نتیجه این پیروزی غیر از امتیازات فوق الذکر مناطق ملاذگرد و اورفه و منبیج و انطاکیه با حوالی ضمیمه خاکهای امپراطوری سلجوقی گردید .

پایان

منابع و مأخذ و شواهد

- ۱- عمادالدین کاتب اصفهانی: زبدة النصرة و نخبة العصرة (عربی) ترجمه ترکی قوام الدین بورسلان نشر TTK استانبول ۱۹۴۳
- ۲- صدرالدین الحسینی (ابی الحسن علی بن ابی الفوارس ناصر بن علی) : اخبارالدولة السلجوقية (نشر محمد اقبال، لاهور ۱۹۳۳) ترجمه ترکی نجاتی لوگال آنکارا ۱۹۴۳
- ۳- راوندی (محمد بن علی بن سلیمان) : راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق (نشر محمد اقبال، تهران مردادماه ۱۳۳۳)
- ۴- ابن القلانسی: ذیل تاریخ دمشق بیروت ۱۹۰۸
- ۵- ابن العدیم (کمال الدین ابوالقاسم عمر) : تاریخ حلب نسخه خطی استانبول توپ قاپی کتابخانه احمد سوم نمره ۲۹۲۵
- ۶- ابوالفرج ابن الجوزی: المنتظم (چاپ حیدرآباد، ۱۳۵۹ هجری قمری) جلد هشتم
- ۷- ابن عبری (ابوالفرج بارهبروس) : المختصر الدول (چاپ بیروت ۱۸۹۰) TTK, Ankara, 1945, I. نشر R. Dogrul. ترجمه ترکی

۱- ابن الجوزی، ص ۲۶۳؛ سبط، ص ۲۵۶^b؛ ابن العدیم، ص ۲۸۷^b؛ ابن القلانسی، ص ۹۹؛ عبری، ص ۳۲۳؛ ابن الاثیر، ج ۸ ص ۱۱۰.

- ۸- سبط ابن الجوزی (شمس الدین ابوالمظفر یوسف): مرات الزمان نسخه خطی استانبول
توپ قاپی، احمد سوم نمره ۲۹۰۷
- ۹- ابن الاثیر: تاریخ کامل (مصر، ۱۳۵۷) جلد هشتم
- ۱۰- ابن الاثیر: تاریخ میافارقین
- ۱۱- عینی (بدرالدین محمود): عقدالجمان فی تاریخ اهل الزمان نسخه خطی و ترجمه
ترکی استانبول توپ قاپی، بغداد کوشکو نمره ۲۷۸
- ۱۲- سبکی (ابونصر): طبقات الشافعیة الكبرى چاپ مصر ۱۲۹۹ هجری قمری
- ۱۳- ابن خلکان (شمس الدین قاضی احمد): وفیات الاعیان از ج ۱ تا ۳ چاپ مصر
۱۲۹۹ هجری قمری
- ۱۴- یاقوت حموی (ابو عبدالله شهاب الدین): معجم البلدان چاپ بیروت ۱۹۵۷
- ۱۵- شمس الدین سامی: قاموس الاعلام
- ۱۶- میرخواند (میر محمد بن سید برهان الدین خاوندشاه): تاریخ روضة الصفا چاپ
تهران ۱۳۳۹ خورشیدی جلد چهارم

- 17- Mikhael Psellos, Chronographie (E. Renauld, نشر و ترجمه فرانسه), Paris, 1928, II
- 18- Nikephoros Bryennios
Cousin, Histoire des empereurs Constantin
Ducas et Romain Diogène.
- 19- Le Beau, Histoire du Bas-Empire (Paris, 1780), X VII
- 20- J. Laurent, Byzance et Les Turcs Seldjoucides dans L'Asie Occidentale Jusqu'en 1081 (Paris, 1914)
- 21- M. H. yınanç, Selçuklular devri I. Anadolu' nun fethi
(نشر دانشگاه استانبول), Istanbul, 1944
- 22- Mateos urhayetzi (Matheu d' Edesse وقایع نامه ماتئوس)
E. Dulaurier, Chronique de Matthieu d' Edesse,
Paris. 1858
- 23- Michel Le Syrien
J. B. Chabot, Chronique de Michel Le Syrien,
Paris 1905, III
- 24- Ioannes Zonaras
I. Millet de s. Amour, Chroniques ou annales,
Lyon, 1560

- 25- Vardan Vardapet (Vardan Padmich)
وقایع نامه واردان
ترجمه ترکی Hrand D. Andreasyan, Türk Fütuhâtı Tarihi, 889-
1269 (Istanbul Edebiyat Fakültesi Tarih Semineri Dergisi,
Sayı2) Istanbul 1937.
- 26- Kiracos de Gantzac
ترجمه ترکی Ermeni Müverrihlerine nezaran Mogullar, Türkiyat
Mecmuası, 1926, c. II



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی